

تروریسم کور برای رسیدن

به اهداف پلیدش از هیچ جنایتی علیه بی گناهان فروگذار نیست

• هر بمباداد در سراسر کشور •

انقلاب

جمعه

جمعه ۱۵ دی ۱۴۰۲ | 5 January 2024 | ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۴۵ | سال ۱۴ | شماره ۶۷۶۲



معاون رئیس جمهور:

سربازان شهید سلیمانی

برخورد سختی

باتروریست‌های

حادثه کرمان خواهند کرد

قیمت در سراسر کشور ۸۰۰۰ تومان

سرمقاله

«مرز انسانیت»

• محمد آخوندپور امیری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

رویداد هولناک به شهادت رسیدن و به خاک افتادن پیکر نزدیک به یکصد تن از هموطنان ما در شهر کرمان در مراسم سالگرد عروج آسمانی شهید سلیمانی، قلوب تک تنگ ایرانیان را دچار دردی جانفرسا و تالمات بسیاری نمود. آنگاه که مرزهای جنون و ددمششی پرده‌ای ضخیم پیش روی انسانیت آدمی استوار می‌سازد، ستاندن جان آدمیان کوچکترین اهمیتی برای عاملین جنایت نخواهد داشت. حال جانباختگان می‌خواهد زن باشند یا مرد؛ کودک باشند یا بزرگسال؛ پیر باشند یا جوان؛ نظامی باشند یا غیر نظامی. هدف نشان دادن خوی وحشی گری آدمیانی است که سرتاسر قلبشان از شاخص‌های انسانی کوچکترین بهره‌ای نبرده و تیره و تار گردیده است.

اما در این میان به مانند بسیاری از رویدادهای دلخراش، با وقوع این رویداد سهمگین (که هنوز از شوک تلخی آن بیرون نیامده ایم) بازار دوگانه‌ها داغ شده است. اظهار نظرهای سطحی، بدور از واقع و غرض ورزانه در پس این رویداد تلخ به مانند پتکی بر سرمان مدام می‌خورد و ما را به تحیر و حسرت وا می‌دارد. آثانی که به هر دلیلی نسبت به سیاست‌های ساختار حاکمیتی نقد دارند (در دو سوی میدان پوزبسیون و اپوزبسیون) گاهی از مدار انصاف و اعتدال آنچنان خارج شده، بجای آنکه در این موقعیت حساس التیامی بر آلام مصیبت دیدگان باشند، نمکی بر روی زخم‌های شان هستند. اظهاراتی مبنی بر اینکه (به دلیل نقد به عملکرد ساختارها)، چرا این افراد در گلزار شهدای کرمان حضور داشته اند؟ و بسا اینان در پی شربت و غذای رایگان بودند و مسئولیت جان سپاری شان نیز بر گردن خودشان است نشان از آن می‌دهد که پرده‌های تیره نا آگاهی و بی‌خردی گاهی آنچنان پیش روی عقلانیت برخی انسان نماها سایه می‌افکند که مرز میان حق و باطل و انسانیت و ددمششی را راه ساخته و در پرتگاه سقوط و تباهی می‌افتند. در همین لحظه حساس تاریخی، نظرگاه‌های سیاسی این افراد، حجابی پیش روی باورهای انسان مدارانه شان می‌شود که آن‌ها را به ناکجاآباد نیستی، فراموشی و تباهی خواهد برد.

آثانی که سکوت پیشه کرده‌اند و یا تردیدی در محکومیت این جنایت به دل هایشان راه داده‌اند باید بداندت مسبین این فاجعه انسان کشی با هر ایدئولوژی و نظام فکری که دست به چنین جنایتی زده اند، چنانچه قدرتشان فزونی گیرد و مجالسی جهت عرض اندام پیدا کنند، نه امروز و نه فردا به هیچ صغیر و کبیر انسان آزادی خواهی رحم نخواهند کرد. آثانی که بدلیل بغض هایشان نسبت به عملکرد مسئولین یا تحلیل‌های سراسر خطا، به دنبال تقلیل دادن و نسبت دادن این رویداد دهشتناک به نتیجه حمایت از ساختارهای قدرت و توجیهانی از این دست می‌باشند باید بداندت کشتار مردم به ویژه کسودکان نه تنها محکوم؛ بلکه منزجرکننده است. در هر پهنای از جغرافیای هستی، آدمی حق زیستی توام با آرامش و صلح را دارد و هر فرد، مرام، ایدئولوژی و... که بخواهد از جان آدمیان برای مطامع هراس انگیز خود بهره جوید نه تنها بویی از انسانیت نبرده، بلکه به طرفه العینی حاضر است نزدیکان خود را نیز قربانی جنسون بی‌پایان و اهداف نامبارک خود سازد.

الفقه آنکه هرگز نگذاریم مرزهای باورهای سیاسی مان اندکی در محکومیت مرگ انسانیت تردیدی به دلهایمان راه دهد. مهم نیست این سوی مرزها باشیم و یا آنسوی مرزها، مهم نیست همدل و همراه با ساختار قدرت در ایران باشیم و یا در تخالفت با آن گام نهم، مهم نیست از چه نژاد، آیین و قومی باشیم.



می خواهند ایران و جبهه مقاومت را دچار خطای راهبردی کنند

باید با هوش ایرانی، صبر ایرانی،

درایت ایرانی و قدرت ایرانی؛

نخست توطئه دشمن را خنثی کرد،

دوم گاردهای امنیتی را مستحکم کرد

و در مرحله سوم اقدامی کرد که

جناح دشمن دچار مرگ مغزی شود

نه جراحت سطحی!

و کمال آمریکا و غرب، رویارویی آمریکا و متحدانش با یمنی‌ها مورد توافق چین، اروپا و حتی ژاپن و کره نیز قرار نگرفت زیرا به خوبی می‌دانستند شروع یک جنگ زمینی - دریایی در آن منطقه از جهان که ۶۰ درصد تجارت بین المللی را پوشش می‌دهد یک بحران جهانی ایجاد خواهد کرد پس با یک زمان بندی مناسب و دست گذاشتن بر ۱۳ دی

ماه که می‌دانستند چه رخ خواهد داد(عملیات رسانه‌ای - روانی)، خط ترور را فعال کردند؛ ابتدا در لبنان و اندکی بعد در ایران.

ترورها در لبنان بیشتر با هدف از بین بردن نیروهای تأثیرگذار در حماس و حزب الله لبنان انجام شد اما حملاتی از قبیل یورش به پاسگاه مرزی در شرق ایران و این حادثه اخیر یعنی بمب گذاری در گلزار شهدای کرمان با این هدف انجام شد تا افکار عمومی به حاکمان ایران فشاری مضاعف وارد کند همانطور که ضربه زدن به حماس و حزب الله نیز در جهت تحریک کردن سران این دو گروه شبه نظامی صورت پذیرفت.

با یک ضرب و تقسیم ساده می‌توان فهمید تمامی این‌ها در جهت رسیدن به هدفی مهم بود و آن، دچار «خطای راهبردی» کردن ایران و جبهه مقاومت است.

در اثنای حملات هفتم اکتبر(طوفان القسی) که طی آن حماس مستقیم وارد جنگ با اسرائیل شده بود، ناگهان پاکستان شروع به اخراج پناجویان افغانستانی، آن هم به بهانه ی غیرمجاز بودن می‌کنند تا سطح تنش در این منطقه همچنان بالا بماند، اوضاع داخلی در پاکستان متشنج شود و عملاً دولت مرکزی در پاکستان نظارتی بر مرزهای مشترک خود، در شمال با افغانستان و در

غرب ایران نداشته باشد، به چه منظور؟ رفت و آمد آسان نیروهای تحت امر داعش(خاصه خراسان) و القاعده، طی نزدیک به ۹۰ روز جنگ در سرزمین‌های اشغالی، اینک و عملاً چهار کشور لبنان، سوریه، یمن و فلسطین - هر یک به نوعی - رو در رو با ارتش اسرائیل ایستاده اند. حوثی‌ها که وارد این معرکه شدند اندکی کار برای جبهه ی غرب(اسرائیل، آمریکا و متحدان کاخ سفید) سخت شد زیرا با ناامن سازی باب المندب و دریای سرخ عملاً تجارت و اقتصاد جهانی در تیررس قرار گرفت.

آمریکا به خوبی می‌دانست رویارویی مستقیم با حوثی‌ها عملاً جز به آتش کشیدن این منطقه هیچ دستاوردی ندارد چه، عربستان ی ۸ سال نتوانسته بود ذرهای خلل در عزم حوثی‌های یمن ایجاد کند آن هم با ارتشی مجهز به پیشرفته‌ترین سلاح‌های روز آن هم با پشتیبانی تمام

آفتاب یزد - رضا بردستانی: حادثه ی تلخ کرمان را نه از گلزار شهدای کرمان که باید آن را در یک پهنه ی جهانی بررسی کرد، طی چهار سال اخیر، دنیای غرب که متوجه قدرت روزافزون نیروهای مقاومت در غرب آسیا شده است با طراحی مجموعه‌ای به هم پیوسته و پیچیده، سعی در ایجاد شکاف بین کشورهای دارد که به اصطلاح

در خط مقدم نیروهای مقاومت قرار دارند. بازگشت طالبان به افغانستان در پی توافقاتی محرمانه در دوحه، سرنگونی دولت عمران خان در پاکستان، کاهش سطح تنش میان اسلام آباد و دهلی نو، افزایش تنش‌ها میان قیائل و گروه‌های قومی، ملی، مذهبی در داخل پاکستان در نهایت به ناامنی مرزهای شرقی ایران منتج می‌شود.

برهم خوردن ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی، دخالت آشکار آمریکا، فرانسه، اسرائیل و ترکیه در حوادث آذربایجان و ارمنستان، مرزهای شمال و شمال شرق جمهوری اسلامی ایران را ناامن کرد.

گسیل نیروهای عملیاتی به مرزهای غربی ایران و نفوذ در جنوب غرب هم پازل سوم را تکمیل می‌کند و آن ایجاد ناامنی در مرزهای غربی است.

در جنوب با عادی سازی روابط میان اسرائیل، بحرین، امارات و تلاش برای عادی سازی روابط با عربستان، این ناامن سازی به یک پروژه دولتی تبدیل شد. این روزها نیروهای امنیتی - عملیاتی و حتی نظامی اسرائیل، بی‌هیچ مانعی به آسانی در قفقاز جنوبی و کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس رفت و آمد دارند.

نویت به لبنان، سوریه، فلسطین، بخش‌هایی از اردن و یمن می‌رسد تا در پهنه‌ای گسترده تر، غرب آسیا را به مهره چینی‌های قبلی در شرق، شمال و شمال غرب، غرب و جنوب ایران بیوند بزند.

کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل:

صهیونیست‌ها می خواهند جنگ اسرائیل - غزه را به جنگ ایران - آمریکا تبدیل کنند

بدانیم، به نظرم سیاست تحمیلی مورد نظر آن کشاندن پای ایران به یک جنگ نظامی گستره در منطقه است. این استاد دانشگاه در پاسخ به این سوال که «به نظر می‌رسد بر اساس برخی از شواهد این اقدام تروریستی از سوی رژیم صهیونیستی و با حمایت آمریکا انجام شده است و این اقدام را می‌توان در راستای اقدام تروریستی دوشنبه شب صهیونیست‌ها در راهبردی» را از چنین اقداماتی دنبال می‌کند. عضو ارشد حماس و همچنین ترور «سید رضی موسوی» مستشار ارشد ایرانی در سوریه دانست. هدف آمریکا و اسرائیل از انجام این اقدامات ابتدایی علیه ایران چیست؟». گفت: آمریکا همواره از نظر سیاسی و نظامی از اسرائیل حمایت می‌کند اما چنانچه اسرائیل این حمله تروریستی را در کرمان مرتکب شده باشد، بعید است این کار را با هماهنگی آمریکا انجام داده باشد. در واقع، اقدامات بی‌پروا و تروریستی اخیر اسرائیل عمدتاً با هدف «قرار دادن دولت آمریکا در یک عمل انجام شده» صورت می‌گیرد و هدف آن نیز ایجاد فضایی است که در آن آمریکا ناگزیر با ایران وارد یک درگیری مستقیم نظامی شود. از این رو، وجود هماهنگی میان اسرائیل و آمریکا بر سر این موضوع

ایران نیز با محکومیت این حادثه تروریستی گفت: دستگاه دیپلماسی کشور، اقدامات فوری حقوقی و بین‌المللی خود را از طریق سازمان ملل متحد برای محکومیت و پیگیری انفجار تروریستی کرمان آغاز کرده است همچنین برخی از سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف، ضمن محکومیت حادثه تروریستی کرمان، پرچم ایران را به احترام شهدا نیمه‌پرافراشته کردند.

اسرائیل می‌خواهد ایران را بر سر انتخاب ۲ گزینه قرار دهد «رضا نصری» کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به این سوال که به نظر او انفجار تروریستی اخیر در کرمان با چه اهدافی از سوی عاملان آن انجام شده است، گفت:هدف از اقدامات تروریستی همیشه ایجاد ترس و وحشت در یک جامعه است و ابزار آن نیز استفاده از خشونت علیه شهروندان غیرنظامی است تا آمران و عاملان آن - به‌واسطه فضای ایجاد شده - یک سیاست را به یک دولت تحمیل کنند. اینکه آن «سیاست» چیست هم بستگی به این دارد که چی کسی مرتکب آن اقدام تروریستی شده است. اگر مطابق اغلب تحلیل‌ها، رژیم اسرائیل را بانی حملات اخیر

خاص را محتمل نمی‌دانم. نصری در پاسخ به این پرسش که برخی از کارشناسان معتقدند هستند که عاملان این اقدام تروریستی به دنبال تحریک ایران برای انجام یک اقدام هیجانی هستند که در ادامه ایران را مسؤول گسترش جنگ و ناامنی در منطقه معرفی کنند، گفت: اسرائیل یک هدف «روانی» و در امتداد آن یک «هدف نظامی» راهبردی» را از چنین اقداماتی دنبال می‌کند. هدف روانی این است که تصمیم‌گیران در تهران مجبور شوند - تحت فشار افکار عمومی - بین حفظ «وجهه» و توان بازدارندگی» خود و «ورود به درگیری مستقیم در منطقه» یکی را انتخاب کنند. وی در همین راستا ادامه داد: هدف نظامی-راهبردی هم این است که جنگ را از مرزهای خود دور کنند و در نهایت به سمت خاک و منافع ایران بکشانند. اسرائیلی‌ها احتمالاً به این نتیجه رسیده‌اند که بازه زمانی محدودی برای ادامه جنگ در غزه برای‌شان باقی مانده است و به زودی مجبور خواهند شد تحت فشار افکار عمومی جهان و فشارهای سیاسی از جانب برخی متحدین غربی خود، پذیرای آتش‌بس شوند.

